

اطلاعیه حزب کمونیست (مائونیست) افغانستان به مناسبت اول می، روز جهانی کارگر

اول می، روز جهانی طبقه کارگر را گرامی می‌داریم و جنگ‌افروزی‌های امپریالیستی و ارتجاعی را در خاورمیانه و اوکراین به شدت محکوم می‌کنیم

اول می امسال، در حال از راه می‌رسد که خلق فلسطین در نوار غزه به دست رژیم فاشیستی اسرائیل قتل‌عام می‌شوند و تجاوز روسیه بر اوکراین و دخالت غدارانه کشورهای امپریالیستی آمریکا و متحدان اروپایی‌شان، این کشور را به‌ویژه مبدل کرده و هزاران اوکراینی را تاکنون کشته و میلیون‌ها نفر دیگر را آواره و بی‌خانمان کرده‌اند. اکنون سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را به طرف یک جنگ تمام عیار دیگر سوق می‌دهد. دولت‌های فاشیستی اسرائیل و جمهوری اسلامی به نیابت از باداران امپریالیستی‌شان چنگ‌و‌دندان به‌همدیگر نشان می‌دهند. این جنون جنگی ارتجاعی میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم فاشیستی اسرائیل در حقیقت انعکاس از تضاد میان کشورهای امپریالیستی آمریکا و متحدان اروپایی‌شان با کشورهای امپریالیستی چین و روسیه است. به همان میزان که پشت جنگ‌افروزی عنان‌گسخته نتانیاهو حمایت بی‌دریغ مالی و تسلحاتی امپریالیزم آمریکا و متحدان اروپایی‌اش قرار دارد، به همان میزان فعالیت‌های توسعه‌طلبانه و جنگ‌افروزانه ارتجاعی جمهوری اسلامی بدون حمایت روسیه و چین ناممکن است.

رژیم راست‌گرای نتانیاهو در همراهی با فاشیستی‌ترین بخش طبقه حاکمه رژیم اسرائیل، قتل‌عام بی‌رحمانه و ویران‌گرانه را در باریکه غزه به راه انداخته است. تا کنون بیش از ۳۴ هزار زن و کودک خلق فلسطین در اثر این تجاوز بی‌رحمانه اسرائیل کشته شده‌اند. جنایت امپریالیزم آمریکا و ریاکاری متحدان اروپایی‌شان به دلیل سهم‌گیری در جنایت رژیم اسرائیل و در نسل‌کشی مردم غزه، یک‌بار دیگر نشان داد که امپریالیزم همان جنگ، تجاوز و ویرانگری است. رژیم فاشیستی اسرائیل با درنده‌خوی و جنایت بی‌مانندش در این هفت ماه در قتل‌عام خلق فلسطین مصروف بوده است. دوام و بقای ۷۵ ساله رژیم اسرائیل به دلیل حمایت بی‌دریغ مالی و نظامی آمریکا، انگلیس و فرانسه ممکن شده است. اما تضعیف قدرت جهانی آمریکا و ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی و نیرومند شدن کشورهای مانند جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نیابتی‌اش خطر درگیری و جنگ را در منطقه بیشتر کرده است. جابه‌جایی و ایجاد موازین جدید قدرت میان قدرت‌های بزرگ امپریالیستی و ارتجاعی اکثراً با درگیری و جنگ‌های ویران‌گرانه همراه بوده است.

اسرائیل دژد امپریالیزم آمریکا در یکی از مهم‌ترین نقطه جهان است. امپریالیزم آمریکا برای حفظ هژمونی جهانی خود به اسرائیل در خاورمیانه نیاز دارد. از این رو ارتش اسرائیل فراتر از ارتش نیابتی آمریکا در منطقه است. آمریکا همیشه برای حمایت از اسرائیل هرگونه قوانین بین‌المللی را که ادعای دفاع از آن را دارد، زیر پا کرده است. توازن قدرت جهانی اکنون به قدر زیاد در مقایسه با سی سال قبل در سطح بین‌المللی به‌ضرر امپریالیزم آمریکا تغییر کرده است. جنگ اسرائیل و حماس تا کنون به نفع امپریالیزم روسیه در اوکراین و چین در دریای زرد تمام شده است. حملات تلافی‌جویانه اسرائیل در خاک ایران به تاریخ نوزدهم اپریل نشان داد که بدون همراهی آمریکا ارتش اسرائیل قادر به پیش برد جنگ تمام عیار علیه ایران و گروه‌های نیابتی‌اش در خاورمیانه نیست.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک رژیم بنیادگرای اسلامی و پایگاه بنیادگرای اسلامی در خاورمیانه بوده است. این رژیم همیشه از اسرائیل ستیزی و امریکاستیزی به‌عنوان ابزار استفاده نموده و با حمایت از گروه‌های اسلامی در خاورمیانه وارد میدان بازی قدرت‌های امپریالیستی روسیه و چین با امپریالیزم آمریکا و اروپا شده است. این رژیم نفرت عظیم توده‌های ایران را برانگیخته است. جنبش زن، زندگی و آزادی، شورش آگاهانه مردم ایران برای سرنگونی رژیم بنیادگرای اسلامی بوده است. این رژیم تندور اسلامی برادر ناتنی امارت طالبان در افغانستان است و هر دوی این رژیم مذهبی مورد تنفر و انزجار توده‌های مردم افغانستان و ایران قرار دارد.

هشتم مارچ امسال در حال از راه می‌رسد که جامعه افغانستان تحت سلطه طالبان در سه سال گذشته، سیر قهقرایی وحشتناک به خود دیده‌است. بحران همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرایط اسفناک را در این کشور به وجود آورده‌است. به‌اساس تازه‌ترین آمار برنامه سازمان جهانی غذا از میان ۲۳^۷ میلیون نفر نیازمند به کمک، ۷ میلیون آن آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند. فقر و بیکاری به‌ابعاد بی‌سابقه خود در کشور رسیده‌است. طبقه متوسط در جامعه کاهش یافته، جامعه به اکثریت توده‌های محروم و اقلیت از طبقات ستمگر که بر کلیه منابع اقتصادی و سیاسی کشور چنگ انداخته‌است تقسیم شده‌است. زندگی ۸۰ درصد مردم افغانستان در شرایط به‌کار روی زمین و مواد طبیعی وابسته شده‌است که افغانستان یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان از نگاه تغییرات اقلیمی به‌شمار می‌آید. کاهش بارندگی و پایین‌رفتن سطح آب، افزایش دمایی حرارت و بارندگی‌های بی‌موقع از مهم‌ترین تغییرات اقلیمی در کشور است که زندگی توده‌های محروم را متأثر ساخته‌است.

در سه سال گذشته بسیاری از خانواده‌های فقیر به کمک سازمان‌های خیریه جهانی نان به‌خورونمیر را دریافت می‌کردند. اما حجم این کمک‌ها در سال جاری به‌شدت کاهش یافته‌است. اکنون فقر و بی‌کاری و سوءتغذیه و مرگ ناشی از آن جان بسیاری‌ها را تهدید می‌کند. فروش کودکان و فرزندان به‌خصوص دختران خانواده به‌اشکال مختلف جریان دارد. فقر زمینه سوءاستفاده طبقات مظلوم جامعه و به‌خصوص اعضای طالبان را از زنان و اطفال فراهم کرده‌است. تعداد از کارمندان اداری به‌بهبان‌های مختلف از کارهای‌شان اخراج می‌شوند و طالبان به‌جای آن‌ها وابستگان‌شان را مقرر می‌کنند. کسانی که از کارهای اداری و موسسات اخراج شده‌اند و یا کارهای شخصی‌شان توسط طالبان متوقف گشته و یا ورشکسته شده‌اند، به کارهای سیاه و غیرقانونی رو آورده‌اند. این در حال است که مهاجرین از کشورهای همسایه ایران و پاکستان به‌جبر اخراج می‌گردند و هر روز بر آمار بی‌کاران در جامعه افزوده می‌گردد. این امر زمینه سربازگیری را برای گروه افراطی و باندهای قاچاق فراهم کرده‌است.

نهادها و احزاب سیاسی هیچ‌گونه حق فعالیت ندارند و بسیاری از جوانان و فعالین جامعه یا از کشور فرار کرده‌اند و مجبوراً سکوت کرده‌اند. هرگونه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با خطر دستگیری، زندان و مرگ همراه‌است. فرمان‌های متعدد رهبری طالبان آزادی‌های اجتماعی را از مردم افغانستان به‌خصوص زنان و جوانان سلب نموده‌است. خفقان ناشی از سلطه تندروانه اسلامی طالبان و انزوای جهانی افغانستان را به‌سمت قهقرا سوق داده‌است.

مدرسه‌سازی که در حقیقت طالبانی‌کردن جامعه‌است به‌شدت ادامه دارد. بسیاری از مکاتب دخترانه به‌دارالحفاظ و دارالعلوم تغییر یافته‌است. تعداد از مضامین اجتماعی و محتوای آن حذف شده و به‌جای آن مضامین دینی گنجانده شده‌است. سه سال از مسدودماندن مکاتب دخترانه می‌گذرد، در حالیکه مدارس دینی دخترانه در کشور روبه‌افزایش است. برعلاوه، افغانستان اکنون به پایگاه و مراکز بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان تبدیل گشته‌است. القاعده و ده‌ها گروه‌های افراطی مربوط به کشورهای همسایه و منطقه در افغانستان حضور دارد.

اکنون تعداد زیاد از خبرنگاران و زنان معترض در زندان به‌سر می‌برند. طالبان هیچ‌گونه صدای مخالف را بر نمی‌تابند و آن‌ها را با شدت عمل سرکوب می‌کنند. امارت طالبان برده‌گی زنان را قانونی کرده و ملیت‌های تحت‌ستم و توده‌های مردم در امارت طالبان شهروندان درجه‌دو محسوب می‌شوند. از نظر طالبان کارگران، دهقانان و کلیه توده‌های زحمت‌کش جامعه عوام‌الناس هستند که باید مطیع اوامر امیرشان باشند.

در اخیر باید گفت که نظام سرمایه‌داری جهان را به‌لبه پرتگاه جنگ جهانی و به‌گرمایش غیرقابل سکونت کره زمین نزدیک کرده‌است. فقر و بی‌سرنوشتی غیرقابل وصف بشریت را فراگرفته‌است. برای اکثریت خلق زحمتکش جهان راه بیرون‌رفتن از این شرایط دهشتناک،

فقط با انقلاب قهري و سرنگوني نظام سرمايه‌داري مسير است. کارگران و زحمتکشان جامعه بايد به «علم انقلاب» مجهز شوند. اين علم انقلاب و رهايي‌بخش امروز، مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیسم است.

در عصر و زمانه‌ای که بی‌باوری و انحطاط بی‌داد می‌کند و بسیاری از مبارزین دیروز سرود یأس می‌خوانند و از خط و موضع انقلابی خود فاصله گرفته‌اند، ما اعضاء و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان متعهدتر و مصمم‌تر از گذشته روی خط مبارزاتی‌مان ایستادگی می‌نماییم. بنا بر آن از روشنفکران متعهد و مردمی و توده‌های تحت ستم که خواهان جهان فارغ از استثمار و ستم هستند مصرايه می‌خواهیم برنامه و اساسنامهٔ حزب ما را بخوانند و به‌صفت مبارزین انقلابی در حزب ما بپیوندند. ما یکبار دیگر با جسارت کمونیستی اعلان می‌کنیم که «برنامه و اساسنامهٔ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان درفش مستقل پرولتاریای جهانی در سنگر مبارزات ملی و طبقاتی افغانستان در خون خفتهٔ ما و یگانه درفش تابه‌آخر انقلابی در کشور است. کمونیست‌های انقلابی کشور ما فقط و فقط با رزمیدن زیر این درفش سترگ است که می‌توانند وظایف و مسوولیت‌های انقلابی‌شان را در قبال انقلاب جهانی و انقلاب افغانستان اداء کنند.»

«حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان»

اول می ۲۰۲۴